

پایتختی قدس، زمینه‌ساز جolt جهانی یهود

اسماعیل شفیع سروسٲانی

فهرست منابع

- ۷ دیباجه
- ۱۳ فصل اول: راه روشن، راه تاریک
- ۱۵ نقش آفرین ترین مکان در آخرالزمان
- ۱۹ غرب، شریک و رقیب بر نمی تابدا
- ۲۵ چرا تحریف و دستکاری در نگارش تاریخ دیروز؟
- ۳۸ مسابقه دو ارابه در جاده تاریخ
- ۴۲ ادوار رفته بر آمتها
- ۵۳ یهود در حجاز به دنبال چه می گشت؟
- ۸۹ فصل دوم: رد پای یهود در فتنه ها و انحراف ها بعد از شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله
- ۹۱ ۱. نفوذ یهود در صفوف مسلمانان
- ۹۹ ۲. انحراف از محبة البیضاء (راه روشن خاندان وحی)
- ۱۳۹ فصل سوم: یهود از سلطنت تا پراکندگی
- ۱۴۱ محکوم به بلا
- ۱۴۷ فرمان پراکندگی و سرگردانی
- ۱۵۳ فصل چهارم: فروپاشی امپراتوری عثمانی

۱۵۵	تأسیس امپراتوری عثمانی
۱۷۳	دوئمه‌ها در امپراتوری عثمانی
۱۷۹	فروپاشی و تقسیم
۱۸۷	فصل پنجم: اندیشه مسیحیایی و اشغال صهیونیستی فلسطین
۱۸۹	مسیحیت صهیونیستی و پروژه سرزمین انجیلی
۱۹۳	عقیده مسیحیایی یهود
۲۰۳	فصل ششم: انگلستان، مسیحیان صهیونیست و پروژه سرزمین انجیلی
۲۰۵	فرقه‌های مهم در مسیحیت
۲۲۷	و اما تقدیر کلی الهی
۲۳۵	فصل هفتم: سرانجام بیت المقدس
۲۳۷	مقدس و نامقدس
۲۴۳	بیت المقدس، نقطه‌ای کانونی در آخرالزمان
۲۵۱	ضرورت آشنایی با اخبار آخرالزمانی
۲۷۹	عاقبت سفیانی و یهود
۲۸۵	فهرست منابع

دیباچه

در گذشته‌های دور و هم امروز، با اقوام بسیاری مواجه بوده یا دربارهٔ آنها مطالعه کرده‌ایم. اگرچه از برخی، تنها یادی و نشانی در گسست تاریخ بر جا مانده، اما برخی دیگر از همهٔ تنگناها و بحران‌ها عبور کرده و از پس هزاره‌ها خود را به امروز رسانده‌اند و در تلاش با مجموعهٔ بحران‌ها سعی در ماندن تا فردا دارند. حسب سنت تاریخی، هیچیک از اقوام فارغ از بحران، نبرد و جنگ نبوده و همواره ناگزیر از درگیری با مجموعه‌ای از عوامل طبیعی و غیرطبیعی بوده‌اند.

دولت‌ها و خاندان‌های صاحب کرسی و مسند امارت و حکمرانی، به نحو خاص، بیش از سایرین مبتلای نبردهای پی‌درپی و جنگ‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده‌اند؛ به عبارتی، نبرد و جنگ، همزاد با امر حکومت و ملکداری بوده و هست.

شناسایی هر یک از اقوام و دولت‌های ماضی، از مسیر مطالعهٔ نبردها و جنگ‌هایی که تجربه کرده‌اند و تعدّد پیروزی‌ها و شکست‌های میدانی آنها، یکی از طرق مطالعه و شناسایی میزان بزرگی یا کوچکی آنها در مقاطع مهم تاریخی و توانایی آنان در پشت سرگذاشتن نقطه‌عطف‌ها و

میدان‌داری‌هاست.

این معنا درباره‌ی شناسایی موقعیت کنونی هر یک از اقوام ماندگار و تأثیرگذار در عرصه‌ی مناسبات کلان سیاسی، امنیتی صادق است. مطالعه‌ی استراتژی‌های اتخاذ شده‌ی بزرگان آن اقوام و ملل در وقت مواجهه با مهاجمان و تاکتیک‌های میدانی‌اشان، پرده از توانایی ملکداری، قدرت تفکر و تدبیر امیران و فرماندهان آنان برمی‌دارد. بدون این شناسایی و مطالعه، شناسایی موقعیت گذشته‌ی آنان و اهداف بزرگی که مطابق خاستگاه فرهنگی‌اشان دنبال می‌کنند، ممکن نیست.

اقوام فاقد تفکر استراتژیک و اهداف بزرگ، مرگ خویش را قبل از تجربه‌ی بلوغ شاهد خواهند بود. در مقابل، اقوام و فرماندهان واجد تفکر استراتژیک، به دلیل توجه به نقطه‌ی پایان همه‌ی نبردها و امید پیروزی نهایی، به رغم تجربه‌ی بسیاری از شکست‌ها و فراز و نشیب‌های میدان نبرد، دیگر بار و دیگر بار از جای برخاسته و راه خویش را ادامه داده‌اند.

تأکید و تفکیک دو واژه‌ی نبرد و جنگ، بدین منظور بود تا اعلام شود، جنگ، ترکیب یافته از مجموعه‌ای از نبردهاست و آنچه که مهم می‌نماید، باخت یا برد هر یک از نبردها حین جنگ نیست؛ بلکه این پایان جنگ و نتیجه‌ی نهایی میدان‌داری است که پرده از توانایی فرماندهان و لیاقت ملک‌داران هر قوم برمی‌دارد.

جناب سون وو در کتاب گران‌سنگ «آئین رزم»^۱ در توصیف فرمانده‌ی ماهر می‌نویسد:

فرمانده‌ی ماهر، نخست خود را در موقعیت شکست‌ناپذیری قرار داده، انگار هیچ موقعیتی را برای شکست دادن دشمن از دست نمی‌دهد. یک

۱. این کتاب از منشورات انتشارات هلال است.

سپاه پیروز، نخست پیروز شده، آنگاه به نبرد می‌پردازد؛ در حالی که یک سپاه محکوم به شکست، نخست به نبرد پرداخته و آنگاه پیروزی می‌جوید.

فرمانده لایق، ابتدا سپاهیان و رعایای زیر دست را از هر حیث (سیاسی، اقتصادی و امنیتی) در موقعیتی امن و آسیب‌ناپذیر از حمله‌ها قرار می‌دهد و با سنجش موقعیت‌ها و فرصت‌سنجی، به دشمن ضربه وارد می‌سازد. از نظر سون وو، پیروزی سپاهیان، قبل از آنکه در میدان نبرد اتفاق بیفتد، بر روی میز نقشه و با محاسبات دقیق موقعیت‌های خودی و خصم معلوم می‌گردد و میدان نبرد، پیروزی را به منصه ظهور می‌رساند. چگونه ممکن است بدون این تمهیدات و به امید شانس و اقبال، سربازان را در میدان نبرد وارد ساخته و در صحنه واقعی، امید و چشم به پیروزی داشت.

شکی نیست که گاه در حرکت‌های تاکتیکی و در کوتاه‌مدت، امکان وصول به پیروزی‌های مقطعی فراهم می‌آید؛ اما این پایان جنگ است که بازنده و برنده نهایی را معلوم می‌سازد.

این قاعده در همه امور و مناسبات قابل مطالعه است. هر یک از میدان‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، شباهت شگفتی با میادین نبرد و جنگ دارند. از این رو، تفکرات استراتژیک در همه مناسبات و میادین باید مرعی داشته شود.

اصرار ورزیدن بر برد در نبردی سخت، گاه به باختی بزرگ در پایان جنگ می‌انجامد. از این رو، فرماندهان و امیران صاحب تفکر استراتژیک، ضرورتاً قید پیروزی در نبردهای مقطعی را زده و با واگذاری میدان و مستقر کردن سپاهیان در موقعیتی امن و آسیب‌ناپذیر، متکی به استراتژی

و تفکر خاص آن، دربارهٔ ضربه وارد کردن به خصم اندیشه می‌کند. برای فرمانده لایق و واجد تفکر استراتژیک، پیروزی نهایی معنایی ژرف و مهم دارد؛ در حالی که ظاهربینان کوتاه‌اندیش با دلخوش کردن به بردهای زودهنگام و ملموس، اهداف استراتژیک را از دست داده و شکست غایی در جنگی بزرگ را پذیرا می‌شوند.

متأسفانه، سنت تفکر استراتژیک در میان عموم اقوام، مورد غفلت واقع شده است. این غفلت و ابتلا به تاکتیک‌ها، آنان را به اقوام منفعل و کوچ‌نشین تبدیل کرده و بازیچهٔ حوادث و فراز و نشیب‌هایی قرار داده است که عموماً خصم متفکر بر آنها تحمیل می‌نماید. این اقوام همهٔ سال‌های عمر خویش را در میان تغییرات پی‌درپی و بحران‌ها سپری می‌سازند و به عنوان اقوامی بحران‌زی قابل شناسایی‌اند.

در جغرافیای تفکر استراتژیک، جنگ‌آور پیروز، دشمن را منفعل ساخته و به حرکت وا می‌دارد؛ اما خود، توسط دشمن به حرکت در نمی‌آید. بدین سبب، فرمانده و جنگ‌آوری این چنین، فردای حیات فرهنگی و تمدنی قوم خویش را امروز پی می‌افکند؛ چنان‌که امیران نام‌آور، برای نیل به موقعیت امروزین، سال‌ها و گاه قرن‌ها پیش از این اندیشه کرده و با تدبیرگری و سماجت، برای دستیابی به آن تلاش کرده‌اند.

به طور شاخص، دو قوم را می‌توان در متابعت از تفکر استراتژیک و هنر غفلت نکردن از اهداف کلان، شناسایی و انگشت اشاره به سویشان دراز کرد: یهودیان و چینی‌های زردپوست؛ به رغم آنکه کم نبودند اقوامی که از استعدادها و قابلیت‌های مثال‌زدنی و شاخصی برخوردار بودند، اما در موقعیت‌های انفعالی و به دلیل غفلت از اهداف فاخر و متعالی و یله کردن تفکر استراتژیک، میدان‌های بسیاری را به خصم واگذارند.